

## پیش‌خوان

«جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی» به روایت یک پژوهش

## در چرایی و چگونگی یک حمایت همه‌جانبه

■ شاهد توحیدی



یافت؟ «جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی» عهده‌دار پاس‌سخگوی به این سؤال است. این پژوهش از سوی احمد فریدونی و نسیمیه شهبازی انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در معرفی موضوع این کتاب به نکات بی آمده اشارت برده است:

«در مقدمه کتاب با اشاره به اهمیت مسئله فلسطین در دیدگاه امام خمینی(ره)، درباره ضرورت بازخوانی حمایت‌های ایران از فلسطین آمده است: اکنون با گذشت ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تغییر نکرده و کشورمان بر دامنه‌حمایت‌های خود از مردم مظلوم فلسطین افزوده است، شاید این سؤال مطرح باشد چرا جمهوری اسلامی ایران از مردم مظلوم فلسطین حمایت می‌کند و در این مسیر هزینه‌هایی را بر خود تحمیل می‌کند؟ در پیشگفتار این کتاب نیز با توجه به تغییر مناسبات منطقه‌ای و جهانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی آمده است: جمهوری اسلامی ایران براساس رویکرد راهبردی امام راحل و با اتکا به اصل ۱۵۴ قانون اساسی (مبنی بر حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش جهان)، به پشتیبانی از آرمان فلسطین پرداخت و رژیم‌صهیونیستی که تا پیش از انقلاب اسلامی هیچ‌کدام استراتژیک ایران بود، تبدیل به دشمن شماره یک شد که نه تنها مورد شناسایی ایران قرار نگرفت، بلکه به نابودی و محو آن از نقشه جهان تلاش شد. این کتاب با توجه به پژوهش‌های پیشین در حوزه



■ نمایی از برگزاری راهپیمایی حمایت از مردم فلسطین در آستان قدس رضوی(ع)

فلسطین و بررسی نقاط ضعف و قوت آنها در چهار فصل به تاریخچه، راهبردها و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی این مسئله پرداخته است. نویسنده در فصل اول با تشریح مبانی نظری، چرا چوب‌بایان‌اندیشه‌ای و علمی در باب سیاست خارجی را مطرح کرده و با تبیین مفاهیم نظری به سزا‌بانگاری و مؤلفه‌های هویتی، منبای پژوهش را مشخص می‌کند. فصل دوم با عنوان سیاست خارجی جمهوری اسلامی از دیدگاه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی می‌کند. علاوه بر آن با تعیین چارچوب‌مطالعاتی سیاست خارجی، ایران، منافع، استراتژی و محیط بین‌الملل را بازنمایی می‌کند. فصل سوم این اثر با تقسیم‌روابط ایران و فلسطین به چهار دوره، تاریخچه مناسبات جمهوری اسلامی ایران با فلسطین را بازپژوهی می‌کند. دوره اول از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی، دوره دوم ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی، دوره سوم جمهوری محمداحمدی‌نژاد، چهار بازه زمانی است که در هر دوره از آنها روابط ایران و فلسطین واکاوی شده است. فصل چهارم و آخرین فصل این کتاب، جایگاه‌ایدئولوژیکی و استراتژیکی فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تبیین می‌کند که خود شامل سه بخش: جایگاه‌ایدئولوژیک، جایگاه امنیتی-استراتژیک و محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. در این فصل به تهدیدهای امنیتی از جمله تهدیدات سخت و نرم جمهوری اسلامی ایران در قضیه فلسطین – اسرائیل پرداخته شده و همچنین استراتژی‌های ایران برای مقابله با این تهدیدات مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این به کنشگری این مسئله در فضای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به ویژه از سوی کشورهای عربی و غربی به ویژه لبنان، سوریه و آمریکا پرداخته است. کتاب جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در ۲ هزار نسخه روانه بازار کتاب شد. این اثر در سال ۱۳۹۱ در ۲۶۰ صفحه با قیمت ۵هزار و ۱۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است…»



اشاره‌ها و نکته‌هایی در باب زمانه و کارنامه پرویز ثابتی

# «مقام امنیتی»

# با کدامین فساد مبارزه کرده است؟!

■ احمدرضا صدری

هر چند که سخنان ثابتی در مستند پنج قسمتی من و تو در میان جامعه ایرانی توجهی را بر نینگیخت و نشان داد که دستکم در این باره مردم همچنان حافظه تاریخی خود را حفظ کرده‌اند، اما این رویداد فرصتی مغتنم فراهم کرد تا نکات مهم و فراوانی در این باره مطرح شود و بر بخش‌هایی از حوزه پنهان تحت مسئولیت وی نور بتابد. مقال بی آمده در صدد است تا با اشاره به پاره‌ای روایات و تحلیل‌ها در شفافیت بیشتر کارنامه «مقام امنیتی» داد سخن دهد. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ **مقام پرست، متظاهر و بزرگ‌نا**

یکی از محورهایی که پرویز ثابتی در بخش‌های اولیه مستند من و تو درباره آن سخن گفت، بیان خصلت و ویژگی‌های فردی و اجتماعی حسین فردوست بود. جمع‌بندی مخاطب از این اظهارات، نگاه منفی «مقام امنیتی» به نامبرده بود. با این همه مروری بر اظهارات و خاطرات فردوست درباره ثابتی می‌تواند افقی جدید در برابر مخاطب حقیق گشساید و ویژگی‌های نامبرده را از منظر مقامی بالاتر بر همگان عیان سازد. قلم مقام سابق ساواک درباره چند و چون جذب ثابتی به این نهاد چنین آورده است:

«زمانی که قائم‌مقام ساواک شد، ثابتی یک جوان کمتر از ۳۰ سال و شغل او ریاست بخش مربوط به احزاب پنهانی بود. او را ندیدم تا زمانی که مقدم ما به جای مصطفی امجدی، مدیر کل سوم کردم. ناصر مقدم مأموریت داشت که آثار سوء دوران امجدی را در اداره کل سوم رفع کند و به این سازمان نظم و تحرک ببخشد. قرار بر این بود که او بدون توجه به بندوبست‌ها و سفرارش‌ها، جوانان با استعداد را تشویق کند و بالا بکشد و به آنها میدان جولان بدهد تا اداره کل سوم آن چیزی شود که باید باشد.

■ **مقام امنیتی پس از فرار از ایران تا اوایل دهه ۹۰، در اختفا به سر می‌برد!**
**به موازات چرخش جانبداری سران امریکا، انگلیس و اسرائیل از منافقین به سلطنت‌طلبان، سفیدشویی نمادهای این جریان در دستور کار قرار گرفت.**
**هر چند که امروزه این ترغند شکست خورده می‌نماید، اما آنان هر آنچه در دست و زبان داشتند، در راستای تحقق این هدف به کار گرفتند.**
**ساخت و پخش مستند پرویز ثابتی را می‌توان واپسین و البته کم‌رقم‌ترین کوشش ایشان در این زمینه دانست**



دهه ۵۰ پرویز ثابتی در یک کنفرانس مطبوعاتی



■ **پرویز ثابتی مدعی است که وی برای مبارزه با فساد و تحقق عدالت وارد است**
**که او در رپر تاژ پنج قسمتی من و تو، تنها از قلع و قمع مخالفان سیاسی شاه سخن می‌گوید و سخنی از مبارزه با فساد، به ویژه در جنبه اقتصادی آن و به خصوص رسیدگی به کارنامه سیاه والا حضرت‌ها، والاگهرها و الخ، به میان نمی‌آورد.**
**مقام امنیتی حتی نتوانست فساد اقتصادی ساواک را مهار کند، هم از این‌رو می‌باید از وی پرسید که وی به مبارزه با کدامین پرونده فساد پرداخته است؟**

روزی مقدم گفت تعدادی پرسنل در اداره کل سوم شناسایی کرده‌ام که بسیار لایق هستند. اگر هر چند وقت یکبار یکی از آنها را احضار کنید ولو برای صحبت‌های متفرقه، موجبات تشویق آنها فراهم می‌آید، زیرا خیلی علاقه دارند که شما را ببینند...!
اسامی را به خاطر دارم. اول ثابتی را گفت سپس عطارپور و بعد فر نژاد. به مقدم گفتم هر موقع خواستند مرا ببینند مختارند، به منشی من اطلاع دهند و بلافاصله فرد متقاضی احضار خواهد شد!
او چند نفر بین خود نوبت گذارده بودند، به طوری که حدوداً هر دو هفته یکبار یکی از آنها را می‌دیدم. پس از چند جلسه برداشت من از ثابتی این بود که بسیار مقام پرست و متظاهر است. خیلی هوش خوب و – نه بیشتر – است. ولی قوه بیان خیلی خوبی دارد. در

مجموع کارمند خوبی به شمار می‌رفت، ولی به علت آن قدرت بیان و متظاهر خود را پیش از آن چیزی که بود نشان می‌داد. این رفتار قطعا در من اثری نداشت، ولی در دیگری مانند مقدم و نصیری، مسلماً بی‌اثر نبود. دروغ و راست را مخلوط می‌کرد تا میزان فعالیت و موفقیت خود را دو سه برابر واقع جلوه دهد. آرام و مسلط بر اعصاب خود بود. ساختمان فکری‌اش طوری بود که همیشه به او هوش می‌گذشت. از خود انتقاد نمی‌کرد و خیلی از خودراضی بود. حال آنکه عطارپور و جوان در کار خود جدی‌تر و علاقه‌مندتر بودند و متظاهر هم نبودند. بدون تظاهر مشخص بود که قدرت فکری آن دو بیش از ثابتی است و ضمناً می‌توانند کاملاً مورد اعتماد واقع شوند، حال آنکه ثابتی به هیچ‌وجه نمی‌توانست اعتماد مرا جلب کند و به نظر من او برای کار اطلاعاتی ساخته نشده بود و بیشتر به درد کار سیاسی می‌خورد...»

■ **ثابتی نخست‌وزیر شدن خود را جدی گرفته بود**

نحوه ارتقای پرویز ثابتی در ساواک از نکات شنیدنی در زندگی امنیتی وی قلمداد می‌شود. او در این فقره راهی مانند سایر عناصر جاه‌طلب و قدرت دوست پیموده است. وی با بزرگنمایی درباره قدرت

محمدرضا برای خودنمایی پذیرفتند که در واقع نمایش خود ثابتی بود. در این نمایش‌های تلویزیونی او بسیار خوب و محکم صحبت می‌کرد و همه را تحت تأثیر قرار داد، به دلیل بیان عالی و عدم تردید در سخنانش. دعوت‌ها از او در خانه رجال شروع شد و ثابتی در چندین میهمانی از من خواهش کرد که شرکت کنم که شرکت کردم. در این میهمانی‌ها، خانم‌های زیبا چندین هزار تومان هزینه آرایش خود می‌کردند تا مورد پسند مقام امنیتی واقع شوند و دور او را می‌گرفتند و خود را معرفی می‌کردند و کارت و آدرس می‌دادند! من چند بار به چند خانم که میل داشتم صحبت کنم، نزدیک شدم و هر چه گفتم من فرودست هستم، بی فایده بود! همه مقام امنیتی را می‌خواستند و فرودست و امثال فرودست، برایشان مهم نبود! این عنوان مقام امنیتی تا انقلاب روی ثابتی ماند و همه‌جا به پذیرایی از او افتخار می‌کردند! ثابتی به عنوان مدیر کل اداره سوم ساواک هر ۱۵ روز یکبار در جلسات شورای هماهنگی رده دو در دفتر ویژه اطلاعات شرکت می‌کرد و به علت همین خصلت، فرد شماره یک شورا شده بود. هر چه می‌خواست، قالب می‌کرد و همه اعضای شورا تحت تأثیر او بودند. شاید دو سوم مدت جلسه را او به تنهایی صحبت می‌کرد و چون اتاق جلسه پهلوی اتاق کار من بود، صدایش را به خوبی می‌شنیدم. پس از خاتمه جلسه می‌ماند و اجازه ملاقات با من را می‌خواست که ملاقات می‌کردم. در آن زمان از ساواک به بازرسی منتقل شده بودم و لذا ثابتی اخباری از وضع ساواک را به طرز غیر رسمی به من می‌داد. از جمله می‌گفت که نصیری از طریق راننده من رفت و آمدهایم را زیر کنترل دارد. این سیستم محمدرضا برای طبیعی بود. در این ملاقات‌ها او طبق معمول راست و دروغ را مخلوط می‌کرد و من چیزی از فعالیت‌هایش نفهمیدم! می‌خواست وانمود کند که کارهای زیادی انجام می‌دهد و اکثراً از شبکه‌های موهوم صحبت می‌کرد و مدعی می‌شد که رد اصلی شبکه پیدا شده و به زودی دستگیر خواهند شد و این شبکه‌ها هیچ‌وقت کشف نمی‌شند! موارد به حدی مخلوط بود و من هم به حدی غیر جدی نسبت به حرف‌های او که حتی یک مورد در هم به خاطر ندارم...!»

■ **جان خودت را نجات بده و فرار کن**

عباس لطفیف کار رئیس دفتر پرویز ثابتی در ساواک، در آغازین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم دستگیر شد، آنچه روزنامه اطلاعات پس از دستگیری از قول وی آورده است، می‌تواند جنبه‌هایی از شیوه مدیریتی «مقام امنیتی» را نمایان سازد. او اذعان دارد که مخدوش‌تا تا پایان حیات رژیم پهلوی ساواک را اداره و از طریق وی به نبره‌هایش حقوق می‌داده است:

«سرانجام یک روز پرویز ثابتی با رئیس کمیته اشره‌پناهی ا تماس گرفت و مرا به دفتر اداره یکم از اداره کل سوم، واقع در باغ مهران سلطنت‌آباد منتقل کرد. بعد دو سال و سه ماه فعالیت در این اداره، ثابتی رئیس اداره از کار من خوشش آمد و مرا رئیس دفترش کرد. در این مقام تمامی نامه‌های انتقالی، مأموریت‌های فراوانی بر سر من افتاد و پرداخت تمامی پاداش‌ها و مزایا و حقوق‌ها را من تحریر می‌کردم. یعنی اگر مأموری در خواست انتقال می‌کرد باید من دستور می‌دادم. پرداخت مزایای کارمندان هم به دستور من انجام می‌گرفت. در مواقعی هم که پرویز ثابتی در اداره نبود یا به مسافرت می‌رفت، من کارهای او را انجام می‌دادم. در همین مدت مأموریت داشتم که صورت کار گر یا خدمه یا مأمور توزیع خیرات، در این مساجد رفت و آمد می‌کردم. در سنال ۵۱ از طرف پرویز ثابتی به من مأموریت داده شد که برای شرکت و نفوذ در کنفدراسیون دانشجویان به ایتالیا بروم. سه سال در ایتالیا بودم و در مباحثات و تظاهرات دانشجویان شرکت کردم و از آنجا مطالب و خبرهایی را که از دانشجویان به‌دست می‌آوردم، به ثابتی گزارش می‌کردم. در ایتالیا رئیس من نجفعلی یاوری بود که پس از خاتمه خدمت وی، شخص دیگری به نام سرهنگ سیار جانشین او شد. وقتی که شاه سابق برای کار و استراحت به ایتالیا رفت، من در رم بودم و دانشجویان مخالف سفر شاه به رم، دست به تظاهرات دامنه‌داری زدند. من هم در میان دانشجویان بودم و از آنها عکس تهیه می‌کردم و به تهران می‌فرستادم. در آن تظاهرات یک پایم شکست و در یکی از بیمارستان‌های رم بستری شدم. در آن روزها پرویز ثابتی، تلفنی مرتباً جویسای حال من می‌شد و از وضع مالی من سؤال می‌کرد. من در سال ۵۴ و پس از پایان مأموریت، به تهران آمدم و در اداره کل هشتم ساواک مشغول کار شدم. پس از مدتی به دلیل حسن خدمت، با حفظ سمت در ساواک، در سفارت ایتالیا مشغول کار شدم و بعد از آن با سمت حسابدار ویژه بودجه محرمانه تا قبل از سقوط ساواک مشغول کار بودم. در طول این مدت‌اهم که ا پرویز ثابتی از کشور فرار کرده بود، رهبری ساواک را تلفنی از خارج به عهده او گذاشتم، از محل کارم واقع در باغ مهران سلطنت‌آباد فرار کردم. در آن روز مبلغی بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون ریال از بودجه سری در اختیار من

بود تا سهمیه هر مأمور را داخل پاکت بگذارم و به آنها بدهم، ولی ناگهان به من دستور دادند که جان خودت را نجات بده و فرار کن...»

■ **ثابتی اکنون به دنبال چیست؟**

مقام امنیتی پس از فرار از ایران تا اوایل دهه ۹۰، در اختفا به سر می‌برد. به موازات چرخش جانبداری سران امریکا، انگلیس و اسرائیل از منافقین به سلطنت‌طلبان، سفیدشویی نمادهای این جماعت در دستور کار قرار گرفت. هر چند که امروزه این ترغند شکست خورده می‌نماید، اما آنان هر آنچه در دست و زبان داشتند در راستای تحقق این هدف به کار گرفتند. ساخت و پخش مستند پرویز ثابتی را می‌توان واپسین و البته کم‌رقم‌ترین کوشش ایشان در این زمینه دانست. خبرگزاری ایسنا در تحلیلی پیرامون آفتابی شدن مقام امنیتی و اراله شرح افتخار در برابر دوربین من و تو اینگونه می‌نویسد:

«حالا وضعیت کاملاً متفاوت شده است. ثابتی که در دهه ۴۰ و ۵۰ مقابل دوربین می‌نشست و چشم در چشم مخاطب به عنوان یک مقام امنیتی از سرگوب مخالفان می‌گفت تا نشان دهد ساواک چه دستگاه مخوفی است که حتی به رئیس سابق خود هم رحم نمی‌کند، امروز بار دیگر در مقابل دوربین نشست... اما هدفی کاملاً متفاوت دارد. ما در مقابل دوربین من و تو چشم‌های مات را به نظاره نشستیم!م که هر دم از ثبات ثابتی می‌گوید، فردی که آنچنان مخالفان را از میان برمی‌داشت که انگار آنان خس‌وخاشاکی بودند در حکم تاریخ باید از صحنه روزگار محو می‌شدند! این‌بار این مقام امنیتی هر چه ماهرانه‌تر در پی آن است د دستگاه مخوفی همچون ساواک را چنان تطهیر کند که انگار نه خانی آمده است و نه خانی رفته! ثابتی در جای جای مصاحبه‌اش بارها تأکید می‌کند که شکنجه به آن صورت که همه از آن می‌گویند، وجود نداشت! اما کدام نقل سلیم می‌تواند چنین گفته‌هایی را باور کند؟ اگر مخاطب، چند نفر همچون عزت‌الله شاهی، احمد و... را دیده یا چند صفحه از خاطرات این زندانیان را ورق زده یا حتی چند عکس از زندان‌ها را دیده باشد، به راحتی می‌تواند بداند که حقیقت چیست؟ ثابتی که در ساواک برای خود نامی دست و پا کرد، در تلویزیون ملی حاضر می‌شد و با افتخار از شنود تماس‌ها، رصد افراد، صحنه‌سازی‌ها و ترور تیمور بختیار نخستین رئیس ساواک در عراق پرده برمی‌داشت، حالا بعد از سال‌ها زندگی مخفی، بار دیگر مقابل دوربین آمده تا همه رعب و وحشتی را که مخاطب از مقام امنیتی داشت، از حافظه تاریخ پاک کند. عزت‌الله شاهی از زندانیان سیاسی حکومت پهلوی در خاطراتش می‌گوید: به طرز وحشیانه و غیرقابل باوری، با متهم رفتار می‌کردند. طوری که آدم یقین می‌کرد، این بازجوها و شکنجه‌گیمان بیماری سادیسم دارند. بار دومی که مرا به کمیته مشترک آوردند، حدود دو ماه و نیم روی تخت مصلوب کردند و از آبلو برای هر حرف در آوردن استفاده کردند... بهمن‌نادرپور معروف به تهرانی – که خود از عوامل ساواک بود- در اعتراف‌ش گفته است: هیچ نمی‌تواند درد شکنجه را بفهمد، فقط یک حرف از شکنجه می‌شنوند، ولی ما از شمر بدتر کردیم! شمر در مقابله با احمد حسین (ع) یک نیروی برابر بودند، ولی رویه‌داری هم ایستادند، اما در ساواک چه کار کردند؟ دست و پا را بستند، چشم را بستند و بعد کشتند! شما نمی‌توانید درک کنید، هیچ‌کس نمی‌تواند درک کند، مگر آنکه کسی آنچه بود، باشد، ببیند و بفهمد که چه کرده، واقعیت‌ها را باید بگویم... حالا تصمیم با خود مخاطب است که حقیقت چیست و هدف کدام است؟...»

■ **ثابتی تواند به فساد در ساواک را نشان دهد؟**
**چون رسد به فساد در کشور**
و سرانجام به تیتز این مقال باز می‌گردیم. پرویز ثابتی مدعی است که وی برای مبارزه با فساد و تحقق عدالت وارد ساواک شده است. این در حالی است که او در بربر تاژ پنج قسمتی من و تو، تنها از قلع و قمع مخالفان سیاسی شاه سخن می‌گوید و سخنی از مبارزه با فساد به ویژه در وجه اقتصادی آن و به خصوص کارنامه سیاه والا حضرت‌ها، والاگهرها و الخ به میان نمی‌آورد. ایسنا در تحلیل خود با اذعان به اینکه مقام امنیتی حتی نتوانست فساد اقتصادی ساواک را مهار کند، می‌پرسد نامبرده به مبارزه با کدامین پرونده فساد پرداخته است:

«پرویز ثابتی در مستندی که در مقابل دوربین من و تو قرار گرفته، می‌گوید برای مبارزه با فساد بی‌عدالتی وارد ساواک شده و در قسمت‌های مختلف به صورت مداوم بر این طبل می‌کوبد که گویی باید فراموش کنیم وقتی نام ثابتی در میان مردم می‌آمد، لزه بر تن آنها می‌افتاد! ثابتی در هیچ یک از قسمت‌های مستند نمی‌گوید کدام فاسد اقتصادی را رصد کرد، کدام بی‌عدالتی را در جامعه از میان برد، کدام شخصیتی که حق و حقوق ملت را پایمال می‌کرد را به سزای اعمالش رساند، بلکه مدام از دستگیری مخالفان سیاسی، دستگیری و سرگوب دانشجویان منتقد سخن به میان می‌آورد. ثابتی نمی‌خواهد بگوید که فساد بی‌عدالتی، حتی در خود ساواک هم وجود داشت و او حتی نتوانست آن را مهار کند! شاهد این مدعا گفته ارت‌شد حسن طوقانیان ریاست اداره کل صنایع نظامی و مسئول خرید اقلام نظامی ایران است که می‌گوید: در سازمان ساواک ما دانش نبود، سازمان امنیت، غالب رده بالا‌هایشان دنبال کسب‌وکار بودند... کاش ثابتی می‌گفت کدام شخصیت‌های ذی‌نفوذی که طشت رسوایی فساد مالی آنها بر همه عیان بود را دستگیر و به سزای اعمالش رسانند...»



دهه ۵۰ پرویز ثابتی در یک کنفرانس مطبوعاتی